

اتحاد چپ کارگری

بولتن سیاسی خبری زیر نظر هیئت هماهنگی — شماره ۵۱۴۵ / شنبه ۲۲ مه ۲۰۰۳ برابر با اول خرداد ۱۳۸۲ — کارگران جهان متحد شوید!

گزارش:

فوروم بین‌المللی نوزان علیه کنفرانس سران کشورهای ۸ گانه!

۱۶ و ۱۷ مه ۲۰۰۳

قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای در ایرلند و نقش

سازمانهای جاسوسی دولت بریتانیا!

در پی انتشار بخش‌هایی از گزارش کمیسر پلیس بریتانیا ((سر جان استیونز)) روشن شد که در طی ۲۵ سال گذشته، عوامل نفوذی پلیس و ارتش و سازمانهای جاسوسی بریتانیا در ایرلند شمالی، نه تنها در همکاری مستقیم و مستمر با جریانهای تروریستی راستگرا (یو.وی.اف. ارتش داوطلبان مدافع وحدت-منظور وحدت با بریتانیاست-) و ((یو.دی.اف.)) (نیروی دفاع از وحدت با بریتانیا) در برخی از قتل‌های سیاسی از جمله قتل وکیل مدافع بعضی از فعالین جنبش ایرلند همچون ((بات فانوکن))، نقش فعالی داشته‌اند، بلکه یکی از جاسوسان ارتش و سازمان ضداطلاعات بریتانیا در ارتش رهایی‌بخش ایرلند، که به احتمال زیاد نامش ((فرد اسکاپتیچی)) میباشد، در بیش از دهها قتل و شکنجه فیزیکی شرکت داشته است. این جاسوس بریتانیا، هی نامی که داشته باشد، در طول این مدت، نه تنها منبع خبررسانی به ارگانهای ارتشی و ضدجاسوسی بریتانیا بوده است، بلکه در تعیین نقشه‌های نظامی ارتش رهایی‌بخش ایرلند، نقش فعالی داشته است.

در روز یکشنبه هفته گذشته، در شرایطی که برخی از هفته‌نامه‌های بریتانیا، برای اولین بار نام و هویت جاسوس سازمانهای ضداطلاعاتی را منتشر کردند، او در میان شایعات بیشمار پیرامون دخالت سازمانهای امنیتی بریتانیا در فراری دادنش، مخفی شد. مطابق گزارش برخی روزنامه‌های دولین، شخص یادشده، یعنی ((فرد اسکاپتیچی))، عضو ارتش رهایی‌بخش ایرلند و از محافظان جان ((جری آدامز)) رهبر ((شین فین)) میباشد. در ص ۳

در صفحات دیگر:

اعتراضات کارگران، زحمتکشان و تهیدستان شهروستا در

ایران امیرجوهری ننگرودی ص ۴

یک گزارش خبری از شرکت اتحاد چپ کارگری در بحثهای

پالتاکی پیرامون مبارزات کارگری..... ص ۵

کنفرانس به مناسبت ۳۰ سال انتشار نشریه کریتیک،

جلسات درونی اتحاد چپ، جلسات پالتاکی. ص ۶

این اجلاس که فعالین سیاسی چپ از دهها کشور اروپایی، آمریکایی و آسیایی در آن شرکت داشتن، یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌های چپ در چند ماه اخیر به شمار می‌رود.

جلسه افتتاحیه این گردهمایی، جمعه شب، ساعت ۸ بعدازظهر، با سخنرانی پرفسور شنه، آغاز شد و طی این جلسه معارفه، هر یک از سخنرانان در وقت معینی، در رابطه با دستاوردها و معضلات جنبش ضدجنگ و ارتباط آن با مبارزات کارگران و زحمتکشان در کشور خودشان، نکاتی را مطرح کردند. در همین رابطه، عضو هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری نیز به تأثیر جنبش ضدجنگ بر مبارزات زنان و جوانان در ایران اشاره کرد و گفت در ایران خوشبختانه خطر رشد ((جنبش اسلامی)) ما را تهدید نمی‌کند، چراکه ۲۳ سال حکومت اسلام، آبرویی برای دخالت دین در دولت باقی نگذاشته است و از طرف دیگر، گسترش مبارزات کارگران علیه بیکارسازیهای گسترده، فقر و ناامنی شغلی، زمینه‌های رشد مبارزه طبقاتی را بوجود آورده است. نماینده اتحاد چپ کارگری، با اشاره به اعتراضات کارگران ایران در چند سال اخیر علیه خصوصی‌سازی و بیکارسازیهای گسترده، گفت: ((به نظر من، یکی از راهکارهای پیشبرد جنبش ضدجنگ، ایجاد همبستگی بین‌المللی نیروهای چپ با مبارزات طبقاتی (نه مذهبی. ملی) مردم منطقه است. زمینه چنین فعالیتی موجود است، باید پایه‌های آنرا به مثابه تضمینی علیه جنگ‌ها و جنگ‌افروزی‌های آتی، برپا سازیم. باید ارتباط تنگاتنگ این مبارزات با جهانی‌شدن سرمایه و عواقب خانمان برانداز آنرا یادآور شویم تا در تداوم جنبش ضدجنگ، رادیکالیسم مبارزات آتی را تضمین نماییم.))

دیگر سخنرانان این بخش که عمدتاً از سخنرانان بخش اصلی سمینار روز شنبه نیز به شمار می‌رفتند، عبارت بودند از: پرفسور ((آکس کالانیکس)) از حزب کارگران سوسیالیست بریتانیا و پرفسور علوم سیاسی دردانشگاه لیدز، ((توفیق حداد)) از نشریه ((بیتوبین د لاینز)) که در مناطق اشغالی فلسطین منتشر میشود، ((کلیدیو کاتز)) از گروه اقتصاددانان آرژانتین، ((بریژیت کیچل)) حقوقدان و متخصص مسائل خاورمیانه. ما در دو شماره بولتن، بخش‌هایی از سخنرانی‌های این افراد، و با مصاحبه‌های ((اتحاد چپ کارگری)) با آنها را منتشر مینماییم.

نکاتی در حاشیه کنفرانس:

این کنفرانس، از چندین جهت دارای ویژگی بود. اول اینکه کنفرانس نتیجه فوروم اروپایی فلورانس و کوشش مشترک چپ اروپا برای پاسخگویی به برخی کاستی‌ها در کیفیت بحث‌های فوروم‌های فلورانس و پورت‌الگره بود. یکی از جالب‌ترین نکات این اجلاس، حضور بیش از ۴ گرایش تروتسکیست اروپایی و آمریکای لاتینی، و دو گرایش سابقاً تروتسکیست که دیگر خود را پیرو این بینش نمیدانند، بود. مشارکت این جریانها در برگزاری این فوروم، به گفته آکس کالانیکس، مارکسیست شناخته شده بریتانیایی، در تاریخ چپ اروپا بیسابقه است و نشانه‌ای از اتحاد، همبستگی و بازنگری چپ رادیکال اروپایی و چپ در آمریکای لاتین برای فائق آمدن بر بحران چپ است. حضور نمایندگان از چپ رادیکال عراق که تاکنون حداقل در رسانه‌های جمعی و حتی مجامع ضدجنگ، توجه کافی به نظرات و مواضع آنها نشده است، و همچنین حضور صدها نفر از جوانان فعالین جنبش جهانی ضدجنگ، از دیگر نکات مثبت این کنفرانس بود. ... ص ۲

...دنباله فوروم لوزان از ص ۱

اقتصاددان مشهور آرژانتینی، کلدیو کلاتز، و فعالین جنبش چپ در برزیل و ونزوئلا، که در این کنفرانس شرکت داشتند، همگی در نقد دولت «لولا» در برزیل و رفرمیستی دانستن برنامه‌های این دولت در قدرت، هم نظر بودند و در عوض، نوید رادیکالیسم جدیدی در جنوب قاره آمریکا را دادند.

ولی در کنار این نکات، لازم است یادآوری شود که از بحث برخی از فعالین چپ، عمدتاً از یکی دو جریان تروتسکیست، واضح بود که تز دفاع از «جنبش‌های ضدامریکایی» بدون توضیح رابطه مبارزه علیه «امپریالیسم» و مبارزه علیه سرمایه‌داری، چه خطرات بیشماری به همراه دارد. کنفرانس نشان داد که جناح‌هایی از چپ تروتسکیست و باقی‌ماندگان دفاع از استالینسم در چپ اروپایی (از جمله آتک فرانسه، حزب کمونیست بازسازی شده ایتالیا، و جناح‌هایی از حزب کارگران سوسیالیست بریتانیا)، از انحرافات گذشته از جمله مسئله دفاع از جنبش‌های موسوم به «ملی-ضدامپریالیستی» بدون توجه به محتوای طبقاتی و اهداف چنین جنبش‌هایی، درسی نیاموخته‌اند و همچنان نسبت به ادعاهای ضدامپریالیستی جنبش ملی (و احیاناً مذهبی) توهم دارند. از طرف دیگر، برخورد رادیکال جوانان جنبش ضدسرمایه‌داری و بسیاری از فعالین گرایش‌های سیاسی حاضر در کنفرانس، بسیار امیدوارکننده بود و بدون شک چنین کنفرانس‌هایی، در تقویت این گرایش‌ها بی‌تأثیر نخواهند بود.

در حاشیه کنفرانس، مذاکره با فعالین چپ جنبش فلسطین و برخی از فعالین چپ رادیکال عراق، برای اتحاد چپ کارگری زمینه ایجاد فوروم خاورمیانه را بوجود آورد. رفقای فلسطینی، با انتقاد به موضع سازشکار فوروم قاهره، خصوصاً در قبال جنبش‌های ملی‌مذهبی، کوششی جدید برای برپایی فوروم خاورمیانه با رادیکالیسمی به مراتب عمیق‌تر را پیشنهاد میکردند و این پیشنهاد مورد استقبال نماینده هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری قرار گرفت.

بخش خاورمیانه در فوروم بین‌المللی لوزان!

جلسه بخش خاورمیانه، با بحث فعالین جنبش فلسطین شروع شد. «توفیق حداد» از مسئولین نشریه «بیتوین د لاینز» که یکی از مهم‌ترین و تنها نشریه چپ رادیکال فلسطینیست، در صحبت خود به بسط مبانی‌ای که روز قبل باز کرده بود، پرداخت. او در نقد طرح پیشنهادی ایالت متحده و بازار مشترک اروپا موسوم به «راه صلح»، گفت که این طرح، از طرح اسلو هم عقب‌تر است و هدف اصلی آن، درهم‌شکستن جنبش «انقلاب» می‌باشد.

او در توضیح «انقلاب» گفت، مبارزات قهرآمیز مردم فلسطین طی چند سال گذشته، چند هدف مشخص را دنبال می‌کرده است:

زیر سؤال بردن پیش‌فرض‌های قرارداد اسلو در رابطه با مسائل اساسی همچون سرزمین‌های فلسطینی، موقعیت پناهندگان و آوارگان سالهای ۱۹۴۸-۱۹۶۷، نقد فساد، ناتوانی و سازشکاری دولت ملی عرفات و سازمان «الفتح»، و همچنین زیر سؤال بردن پایه‌های دولت صهیونیستی.

توفیق حداد در صحبت خود، با طرح نمونه‌های بیشماری از فساد دولت «ملی»، گفت: ما هنوز نه اقتصاد و نه دولتی داریم، ولی عرفات و شرکاء آنچه داشتیم و نداشتیم را (خصوصی) کرده‌اند تا از منافع سرشار آن، به قیمت فقر، بدبختی و بی‌خانمانی مردم فلسطین، بهره گیرند. «حداد» با اشاره به فقر گسترده در بخش‌های وسیعی از جامعه فلسطینی گفت: «قرارداد اسلو» به عده‌ای این امکان را داد که از ثروتهای نجومی ناشی از وام‌ها و برنامه‌های عمرانی بازار مشترک و سازمان ملل، بهره گیرند، ولی برای اکثر مردم فلسطین، این قرارداد چیزی جز فقر و بدبختی، بیار نبوده است. درون سازمان «الفتح»، روند سیاسی چند سال گذشته، تقویت جنبه‌های «دیکتاتورمنشانه» رهبری، و گسترش فساد بوده است.

توفیق حداد، در ادامه بحث خود، از سازمانهای «رفرمیست» فلسطینی چون «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» و «جبهه دمکراتیک برای آزادی

فلسطین» هم انتقاد کرد و گفت، این جریانها نه تنها از سرنسگونی متحد اصلی‌شان یعنی اتحاد جماهیر شوروی، چیزی نیاموخته‌اند، بلکه در پی دستیابی به راه‌حلهای «سانتریست»، همچنان، از طرفی از قرارداد اسلو و ادامه آن در «راه صلح» دفاع میکنند، و از طرف دیگر، کوشش دارند با طرح برخی انتقادهای جزئی، راه فراری برای خود باقی بگذارند.

توفیق حداد، همچنین با اشاره به تفاوت‌های بین «حماس» و «جهاد اسلامی»، بیهوده بودن تاکتیک عملیات انتحاری در مقابله با دولت اسرائیل را به بحث گذاشت و در عوض در دفاع از مقاومت پیگیر، رادیکال و مستمر ساکنان اردوگاههای فلسطینی به‌منابه تنها راه حل درازمدت برای پیروزی، یاد کرد.

پس از این سخنران، خانم «جمالات ابویوسف» از فعالین فلسطینی مناطق اشغالی، در مورد موقعیت زنان در فلسطین و مبارزات آنها صحبت کرد. او گفت، در بسیاری از اردوگاه‌های پناهندگان، به خاطر گسترش فقر و بیکاری، در بسیاری موارد، زنان تنها نان آور خانواده‌ها یا حقوق‌بگیر اصلی خانه شده‌اند و با بهره‌گیری از موقعیت اقتصادی بهتر، کوشش دارند اتوریته بیشتری در خانه و اجتماع کسب کنند. او با اشاره به موقعیت زنان در سازمانهای غیردولتی NGO، گفت، یکی از «دستاوردهای» قرارداد اسلو، پیدایش دهها، چه بسا صدها سازمان غیردولتی بود که از بسیاری از زنان فمینیست عضوگیری کرد، اما از آنجاکه چنین تشکل‌هایی عمدتاً در دفاع از دولت ملی (دولت عرفات) فعال شدند، نه تنها علاقه‌ای به مسائل واقعی زنان نداشتند، بلکه بیش از پیش به ارگانهای بورژوازی در خدمت منافع افسار ممتاز تبدیل شدند و در حقیقت برخی از فعالین جنبش فمینیستی را از مبارزات اکثر زنان جدا کرده در خدمت ارگانهای دولتی سرمایه‌قرار دادند. «جمالات ابویوسف»، مانند توفیق حداد، در مخالفت با دولت عرفات، فساد این دستگاه، گسترش فاصله فقر و ثروت، بیکاری و بیخانمانی زحمتکش فلسطینی، به تفصیل صحبت کرد و در پایان سخنان خود، در تأیید پیشنهاد اتحاد چپ کارگری پیرامون شکل‌گیری اتحادی از نیروهای رادیکال خاورمیانه در یک فوروم اجتماعی گفت، متأسفانه آنچه در قاهره به این اسم تشکیل شد ضعف‌های بیشماری داشت و یکی دو جریان سیاسی قصد داشته و دارند که این فوروم را مدافع منافع گروهی و سکناریستی خود کنند و واجب است ما فوروم واقعی را از پایین تشکیل دهیم.

در بخش دیگری از این جلسه، ۳ سخنران، دو دید کاملاً متفاوت از مبارزات آتی در عراق بیان کردند. یکی از مدافعان «جبهه دمکراسی در عراق»، از شکل‌گیری پلاتفرم جدیدی در دفاع از آزادی و در دفاع از تشکیل مجلس مؤسسان صحبت کرد. خانم بریژیت کیچل (حقوقدان و متخصص عراق) و آقای هیر از فعالین مستقل چپ (عراق)، در مخالفت با این پلاتفرم، آنرا موضع اپوزیسیون رفرمیست عراق و باقیماندگان حزب کمونیست عراق خواندند و با اشاره به تاریخ سیاه این حزب، گفتند، ایجاد توهم نسبت به آینده ارگانهای بورژوازی در عراق، اشتباه است. این دو سخنران تأکید داشتند باید وضع اسفناک کردستان عراق و عمکرد چندساله حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی را مورد انتقاد شدید قرار داد و سکوت حزب کمونیست عراق در این رابطه را محکوم کرد. آنها توهم‌پراکنی جریانهای رفرمیستی همچون حزب کمونیست عراق، پیرامون امکان پیدایش «دمکراسی» زیر سایه ایالات متحده را مورد انتقاد شدید قرار دادند.

در این بخش، عضو هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری، با تأکید بر نکات عمده صحبتی که در جلسه افتتاحیه مطرح کرده بود، از مبارزات کارگران ایران علیه بیکارسازی‌ها و خصوصی‌سازی‌ها صحبت کرد و تأکید داشت در حالیکه مطبوعات غربی تأکیدشان عمدتاً پیرامون فعل و انفعالات درون حاکمیت و اختلافات جناح‌های حاکمیت است، برای کارگران ایران، اوضاع در دوره حکومت «اصلاح طلبان» بدتر شده است، چراکه این جمع، در رابطه با مسائل اقتصادی، از سیاست‌های تئولبرالی صندوق بین‌المللی پول و بانک تجارت جهانی، تبعیت میکنند. او گفت، در مقطع کنونی، جنبش جهانی ضدسرمایه‌داری باید همبستگی با کارگران ایران را در رأس فعالیتهای ضدجنگ خود قرار دهد. در آستانه مرحله جدیدی از جنگ افروزی ایالات متحده، ایجاد کارزار بین‌المللی همبستگی با کارگران ایران، مهم‌ترین وظیفه جنبش جهانی ضدسرمایه‌داری است. این پیشنهاد و بحث‌های این بخش، با استقبال بی‌سابقه تعدادی از جوانان فعال جنبش ضدسرمایه‌داری حاضر در این بحث روبرو شد.

در حاشیه این کنفرانس، رفیق بهیار، از فعالین جوان اتحاد چپ کارگری، مساحه‌هایی با تعدادی از فعالین جنبش ضدسرمایه‌داری انجام داد که بخش‌هایی از آن، در شماره ۱۴۶ اتحاد چپ کارگری منتشر خواهد شد.

..دنباله قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای در ایرلند و

نقش سازمانهای جاسوسی دولت بریتانیا.. از ص ۱

در پی این افشاگری، وکلای ((اسکاپاتیچی)) با صدور اطلاعیه‌ای، اتهام جاسوسی را رد کردند، ولی آنچه بیش از هر چیز قابل توجه است و تحقیقات کمیسر پلیس سراسری بریتانیا روشن کرده است، نقش فعال، دخالتگر و جنایتکارانه سازمانهای امنیتی ارتش بریتانیا، در دو طرف جنگ داخلی ایرلند میباشد.

اتحاد چپ کارگری در گفتگو با ((آنتونی مک‌اینتایر)) از زندانیان سیاسی باسابقه ایرلند و از رهبران اعتراض زندانیان ایرلندی در سالهای ۱۹۸۰ و همچنین از کادرهای جنبش رهایی‌بخش ایرلند که در سال ۱۹۹۷ از ((شین‌فین)) جدا شد، پیرامون این افشاگری‌ها مصاحبه‌ای انجام داده است که بخشی از آنرا بدینوسیله منتشر میکنیم:

اتحاد چپ: سؤال اول ما در رابطه با بخشی از گزارش کمیسیون بررسی ((استیونز)) است که به همکاری سازمانهای امنیتی با نیروهای تروریستی راستگرا ((یو.دی.اف.)) و ((یو.وی.اف.)) اشاره میکند. نظر شما در این رابطه چیست؟

آنتونی مک‌اینتایر: در رابطه با آنچه این کمیسیون پیرامون همکاری سازمانهای مخفی امنیتی دولت بریتانیا با نیروهای شبه‌نظامی راستگرا در ایرلند مطرح کرده است، شکی ندارم که این گزارش درست است و ما از سالها پیش شکی نداشتیم که دولت بریتانیا در قتل تعدادی افراد بیگناه در ایرلند شمالی از جمله وکلای دادگستری چون ((پات فونکن)) در سال ۱۹۸۹، و یا وکیل دیگری بنام ((رزمری نیلسون)) که میدانم از دوستان شما و مدافعان جنبش چپ ایران بوده، دخالت مستقیم داشته است و گزارش رسمی که پس از ده سال ((تحقیقات)) کمیسیون دولتی در آوریل امسال منتشر شد، حداقل در سطح علنی آن، اطلاعات جدیدی را افشاء نمی‌کند، اما از آنجا که بالاخره رسانه‌های رسمی و روزنامه‌ها مطالب آنرا درج کردند، اهمیت تبلیغی دارد.

همانطور که خانواده ((فونکن)) در بیانیه خود نوشته‌اند، پس از چندین سال تحقیق که ۴ میلیون پوند خرج آن شده، گویا ((کمیسر)) پلیس با ۱۵هزار نفر مصاحبه کرده است، ولی همانطور که میدانید از ۳هزار صفحه گزارش ایشان، تنها ۴۵ صفحه در سطح علنی منتشر شده است، که این روش مورد انتقاد سازمانهای مدافع حقوق بشر و عفو بین‌الملل قرار گرفته است. در واقع برای دستیابی به میزان فعالیت این سازمانهای جاسوسی، تنها یک کمیسیون تحقیق بین‌المللی (مستقل از دولت و پلیس بریتانیا) امکان این را خواهد داشت که مسائل را روشن کند.

اتحاد چپ: سؤال دوم ما در رابطه با گزارشهای چند روز اخیر و انتشار نام ((فرد اسکاپاتیچی)) به عنوان جاسوس سازمانهای امنیتی در ارتش رهایی‌بخش ایرلند است.

آنتونی مک‌اینتایر: در میان تکاپوی ارگانهای خبری و روزنامه‌ها برای درج و کسب اخبار این ((افشاگری))، باید توجه داشت که برغم ادعای ((منابع)) مطبوعاتی در سازمانهای امنیتی بریتانیا مبنی بر فراری دادن ((فرد اسکاپاتیچی))، ایشان گویا همچنان در بلغاست است. از طرف دیگر، اگرچه اظهارات ((دانی مورین)) و دیگر رهبران ((شین‌فین)) در رد ادعاهای برخی روزنامه‌ها مبنی بر موقعیت سیاسی این شخص در جنبش ایرلند درست است، اما نباید منکر اهمیت فعالیت‌های شبه‌نظامی او بود و چنانچه اتهامات درست باشد، هم برای دولت بریتانیا و هم برای ارتش رهایی‌بخش ایرلند، مایه آبروریزی است. نقش ایشان به‌مثابه جاسوسی که از کابینه و دولت بریتانیا (در دوران سه نخست‌وزیر، یعنی تاجر، میجر و بلر) با وساطت سازمانهای جاسوسی دستور میگرفته است و در پیاده‌کردن این دستورات در عملیات نظامی، شکنجه، قتل و جنایت نقش داشته است، برای ارتش رهایی‌بخش ایرلند ننگ‌آور است، خصوصا اگر اتهاماتی از قبیل کشتن برخی از داوطلبان و فعالین این جنبش به دست ((اسکاپاتیچی)) و به دستور سازمانهای امنیتی، درست باشد، ارتش رهایی‌بخش ایرلند باید به ایرلندی‌ها در این رابطه پاسخگو باشد، باید جواب خانواده‌های قربانیان این وقایع را بدهد. (این قتل‌ها و شکنجه‌ها، در مواردی توسط اسکاپاتیچی، به دستور سازمان امنیت بریتانیا و به منظور حفظ هویت او به عنوان جاسوس و جلوگیری از به‌خطر افتادن موقعیت‌اش صورت گرفته است). البته واضح است در این مورد هم متهم اصلی همچنان دولت انگیس و سازمانهای جاسوسی ارتش و نیروهای امنیتی هستند که پیداست در طول فعالیت سه نخست‌وزیر نام برده شده، از هیچ فعالیتی هر قدر جنایتکارانه، غیرقانونی و کثیف، برای پیروزی در ایرلند شمالی، ابایی نداشته‌اند. متأسفانه در مورد کشف این مسائل هم نمیشود به مطبوعات بریتانیا، و کمیسیون‌های دولتی اعتمادی کرد.

از سایت اتحاد چپ کارگری دیدن کنید:

www.etehadchap.com

www.etehadchap.com

www.etehadchap.com

www.etehadchap.com

www.etehadchap.com

www.etehadchap.com

www.etehadchap.com

www.etehadchap.com

www.etehadchap.com

www.etehadchap.com

www.etehadchap.com

www.etehadchap.com

اعتراضات کارگران، زحمتکشان و تهیدستان شهر و روستا در ایران

در ماههای فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲ و ارزیابی عمومی این

حرکات نسبت به ماههای پیشین

امیرجواهری لنگرودی

مقدمه:

امسال تعطیلات نوروزی با اعلام بحث توافق حول تعیین نرخ دستمزد ها اولین بار در روزنامه کیهان حسین شریعتمداری، شک بزرگی را به جنبش کارگری و فعالین آن وارد آورد.

کارگران برای بالا کشاندن سی در صد نرخ دستمزد، بیشتر در سالن ورزشی دخانیات تهران اجتماع اعتراضی داشتند. کارفرما ها ۱۸ درصد و توافق حاصل آمده با پذیرش ۲۲در صد، خط وسط اختلاف را گرفت. این در شرایطی است که ۸۵ در صد ثروت کشور فقط در دست ۱۵ در صد جمعیت کشور است. این سخن از جانب مخالفان سیاسی دولت اسلامی ایران نیست بلکه سخنانی است از نماینده مجلس سهیلا جلو دار زاده. طبق آمار دولت، مجموع جمعیت فقیریش از ۴۰ در صد مردم کشور است (روزنامه ایران) سخنان معاون سازمان مدیریت و برنامه ریزی در این رابطه گواه اینستکه: آمار واقعی بسیار فراتر از این رقم را نشان میدهد. در آمد کم تر از ۱۵۰ هزار تومان طبق آمار رسمی زیر خط فقریشمار می آید و در آمد کم تر از ۱۱۰ هزار تومان نشانه فقر مطلق است و این در حالی است که حداقل دستمزد کارگران در تمامی سال ۸۱ فقط مرز ۷۰ تا ۸۰ و اندی هزار تومان تعیین شده است.

در کنار فقر اقتصادی، گرسنگی، اعتیاد، فحشا، بیکاری مزمن و اخراج بی رویه ی کارگران از موسسات و کارخانه های تولیدی که بسیاری از آنان در آستانه ی ورشکستگی قرار دارند، معضل دیگری است که بر فشار ها افزوده و زندگی کارگران را با نیستی و کشاکش روزمره روبرو کرده است. بطوریکه فقر و فلاکت کارگران و اقشار کم در آمد از یک سو و کمبود امکانات آموزشی و عدم تامین اجتماعی از سوی دیگر موجب می شود که کارگران و تهیدستان جامعه، فرزندان خود را به جای مدرسه راهی بازار کار کنند.

این سلسله معضلات در تمامی سالهای اخیر و بویژه از سال ۸۱ امروز هم به حال خود باقی است و امسال بجای بالا برده شدن حق دستمزد ها برابر نرخ تورم و افزایش گرانی میحتاج زندگی در جامعه، فریاد کارگران به جایی نرسید. کنش و واکنش آنان در سطح کارخانه ها و مطبوعات، حول خواست ۳۰در صدی افزایش دستمزدها در برابر تورم موجود بر حیات روزمره کارگران و بحران عمومی جامعه، آنچنان برزندگی زحمتکشان و تهیدستان و نیروهای حاشیه تولید سنگینی می کند که بحث اش را نمی توانند، پایان یافته تلقی کنند، بطوریکه طی هر فرصتی می پرسند: آقایان، پس آن عدالت اجتماعی و اقتصادی در پرتو عدل و داد و قسط ادعایی شما چه شد؟ شماره نامه اقدام عملی تان در حمایت از ما برهنه ها و کوخ نشینان و در برابر کاخ نشینان و زراندوزان که امام تان شعار، گشایش مشکلات و مصائب آنانرا سر می داد به کجا کشید؟ در سال ۸۱ بی عدالتی در مورد زنان کشور خاصه در بین کارگران زن پر رنگ تر و شدیدتر نمود پیدا کرد. مزد کم تر در مقابل کار یکسان با مردان به جز ستم استثمار مضعف، مفهوم دیگری در جامعه نداشته و ندارد. کار کودکان خیابانی همچنان بیداد می کند.

از طرفی آتش جنگ افزوری جرج بوش که بعد از ۱۱ سپتامبر بر فضای منطقه خاور میانه و خلیج فارس به بهانه نبرد با «تروریسم» سایه افکنده، اول بار در افغانستان برای پس زدن «طالبان» دست پرورده آمریکا، پیاده شد که زندگی مردم آن دیار را به نیستی کشاند.

پس آگاه به بهانه رودررویی با سلاح شیمیایی و مخرب در عراق و تهاجم به دیکتاتوری صدام، مردم بی دفاع عراق را نشان گرفتند و به تار و مار و به کشتار کودکان و زنان بر آمدند. در چنین شرایطی باید تحولات کارگری ماههای فروردین و اردیبهشت سال ۸۲ را باز شناخت. در دوران جنگ آفرینهای سلطه طلبان آمریکایی و انگلیسی و متحدان ریز و درشت آنان در کشور عراق، هرچند به سقوط دیکتاتوری صدام انجامید ولی مردم بی دفاع خاصه کودکان، زنان و زحمتکشان عراق را بیش از

پیش به منتهی الیه جامعه در غلطاندن و با میلیتاریزه کردن منطقه، خلیج فارس را به آوردگاه سرمایه داری جهانی بدل نمود.

از اینرو اعتراضات و به صحنه آمدن کارگران و زحمتکشان و تهیدستان شهری و روستایی ایران طی دو ماهه (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲) بر بستر چنین فضایی که مطبوعات و رسانه های خبری ایران را زیر سایه شوم جنگ کشاند، بوقوع پیوست.

در اوایل فروردین ۸۲ پیش از همه زحمتکشان جنوب ایران و مردم مناطق مرزی نسبت به فضای جنگی و عدم مصونیت خویش به سائقه تلخ کامی جنگهای ۸ ساله ایران و عراق، در فرصتهای گوناگون تجمعاتی را در مقابل مراکز دولتی سازمان دادند تا خواسته های خود را به گوش مقامات شهر و استان برسانند:

(* سه شنبه ۵ فروردین ۸۲ به گزارش خبرنگار بازتاب در آبادان حدود ۴۰۰ نفر و حدود ۱۵۰۰ خانوار در برابر فرمانداری خرمشهر تحصن میکنند نسبت به عدم در اختیار قرار نگرفتن تجهیزات ایمنی یعنی ماسکهای ضد شیمیایی و همچنین جلوگیری فرمانداری از خارج کردن اثاثیه خود از شهر اعتراض داشتند. شخص فرماندار از شرکت در این تجمع بدلیل تشنج بیش از حد اجتماع کنندگان خودداری کرد.

(* چهارشنبه ۶ فروردین ۸۲ عبدالرحمن سراج خرمی در صحبت با ایرنا در آبادان گفت: «جنگ در عراق ماهانه نزدیک به ۵۷ میلیارد ریال به صنعت صیادی استان خوزستان خسارت وارد میکند. در این میزان ۵۵ میلیارد و ۵۷۰ میلیون ریال مربوط به خسارت مستقیم صیادی و یک میلیارد ۴۲۵ میلیون ریال مربوط به حمل و نقل و زیر مجموعه است. در این میان ۳۰ هزار صیاد دائمی و فصلی ساکن استان خوزستان به دلایل امنیتی، امکان صید و صیادی ندارند و بیکار شده اند. فصل صیادی نیز از ۱۵ اسفند تا ۱۵ اردیبهشت است») و صیادان منطقه به این وضعیت سخت معترض میباشند.

(* شنبه ۹ فروردین ۸۲ ماهیگیران جنوبی به عملکرد دولت و منع ماهیگیری خود در منطقه سخت اعتراض کردند. بیش از ۴۰۰ تن از ماهیگیران طی اجتماعی در آبادان اعلام داشتند: چگونه است که دولت به ما اجازه نمیدهد در حالیکه ماهیگیران عراقی آزادانه در حال ماهیگیری هستند») در آمد ماهیگیران از طریق صید ماهی سبو که تنها در این فصل ممکن است در سال گذشته به ۸۰ میلیارد تومان بالغ شده است.

(* شنبه ۹ فروردین ۸۲ در تهران مردم برای گرانی افزایش بلیط مترو که از امروز ۵۰ در صد بالا گرفت در برابر باجه های فروش بلیط اینجا و آنجا تهران اعتراض کردند. با توجه به هزینه های گران زندگی، این مسئله نگرانی اقشار متوسط و طبقات پایین جامعه را برانگیخته و در بعد از ۴۰ سال از صبح امروز در پاره ای از باجه ها با اعتراض مردم روبرو شده اند.

(* یکشنبه ۱۰ فروردین ۸۲ مس سرچشمه وابسته به شرکت ملی صنایع، دومین کارخانه تولید مس در جهان با جمعیتی بیش از ۱۰ هزار نفر به اینترنت دسترسی ندارند. صاحبان شرکت جوانان و اهالی رازبهره گیری این وسیله ارتباطی منع کرده اند. فضای خفقان حاکم بر محیط این کارخانه مانع از اعتراض کارکنان به این موضوع شده است. مدیران شرکت ملی صنایع مس سرچشمه از امکانات بالای غیر قانونی فراوان و حقوق و مزایای بالا بر خوردارند که این خود تضاد طبقاتی فاحشی را در سطح کارخانه و شهرک دامن میزند. این موضوع به تشنه و اعتراضات گوناگونی بویژه در سطح جوانان شهرک تا حال انجامیده است.

(* سه شنبه ۱۲ فروردین ۸۲ صبح امروز ماهیگیران اروند رود که بیش از ۱۵ روز از صید ماهی توسط مقامات محلی باز ماندند. در برابر بخشداری اروند رود تجمع اعتراضی نمودند. ماهیگیران با شکستن شیشه ها و وارونه کردن اتومبیل، خشم خود را بروز دادند. ارتش برای جلوگیری از خطرات احتمالی ناشی از بروز جنگ آمریکا و عراق، بخشداری را موظف به جلوگیری از رفتن ماهیگیران به دریا کرده است. صیادان به چنین تصمیمی که مانع صید که تنها مجرای درآمد سالانه آنان محسوب میگردد سخت معترضند و این تجاوز به حقوق روزمره شان از جانب دولت، خشم صیادان و خانواده های آنان را برانگیخته است.

(* سه شنبه ۱۲ فروردین ۸۲ صبح امروز ماهیگیران اروند رود که بیش از ۱۵ روز از صید ماهی توسط مقامات محلی باز ماندند. در برابر بخشداری اروند رود تجمع اعتراضی نمودند. ماهیگیران با شکستن شیشه ها و وارونه کردن اتومبیل، خشم خود را بروز دادند. ارتش برای جلوگیری از خطرات احتمالی ناشی از بروز جنگ آمریکا و عراق، بخشداری را موظف به جلوگیری از رفتن ماهیگیران به دریا کرده است. صیادان به چنین تصمیمی که مانع صید که تنها مجرای درآمد سالانه آنان محسوب میگردد سخت معترضند و این تجاوز به حقوق روزمره شان از جانب دولت، خشم صیادان و خانواده های آنان را برانگیخته است. ادامه دارد

گزارش خبری

شنبه شب ۱۷ مه ۲۰۰۳ به دعوت فعالین تشکل مستقل کارگری (نشریه تشکل) میز گرد پالتاکی در اطاق همبستگی کارگری از اتحاد چپ کارگری و رفیق ناصرسعیدی و مهدی کوهستانی سازمان داد * این نشست با غیبت مهدی کوهستانی همراه بود * رفیق امیر جواهری به نمایندگی از جانب اتحاد چپ کارگری و ناصر سعیدی فعال کارگری با حاضرین به بحث و گفتگو پرداختند. امیر جواهری با ارائه بحثی حول پیامد مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در ارزیابی سال ۸۱، بحث خود را در ۷ محور حاضرین در میان گذاشت و در قسمت دوم سخنرانان به پرسشهای دوستان اطاق پاسخ گفتند * امیر جواهری یادآور شدند؛ جنبش کارگری ایران در ۴ سال گذشته فراز و فرود های گوناگونی را پشت سر گذاشته است از نظر من در همه این دوران ها عوامل نامساعدی نظیر؛ سرکوب بی مهار، وجود ارتش میلیونی بیکاران، مشکلات و مطالبات بیهیبت این سالها، کارگران را در وضعیت تدافعی و اینجا و آنجا در وضعیت تعرضی قرارداده است * کارگران با همه عوامل نامساعد توانسته اند به مبارزات خود ادامه دهند، منطق هر دوره مبارزه را کشف کرده و از امکانات مساعد برای پیشروی خود بهره گیرند. شمارش آماری مبارزات کارگران در سال ۸۱ نسبت به قبل افزایش یافته و علت این امر را در همراه شدن بخش های دیگری از مزد و حقوق بگیران یعنی پرستاران، معلمان، تاکسی رانان، دانشگانیان، کارکنان بیمارستانها، کیوسک داران، جنبش های روستایی و کشاورزان جایگار و برنجکار و غیره باید دانست * این حرکات در بر گیرنده واحدهای صنعتی بزرگ، واحد های کوچک تولیدی و خدماتی و سلطوحی را که نام بردم در برمی گیرد * بر این پایه من مسائل عمو می جنبش کارگری سال ۱۳۸۱ را در ۷ محور دسته بندی میکنم، البته این کار هنوز با تقدم و تاخری دقیق بر خوردار نیست، ولی وجوه عمومی بحث می باشد * جمله؛ (۱) مطالبات و خواسته های منتج از حرکات اعتراضی کارگران در سطوح مختلف * (۲) تنوع اعتراضات کارگری در رشته های گوناگون و شعار های کارگران در این اعتراضات * (۳) تنوع اعتراضات (تجمعات - تحصن ها - راهپیمایی ها و...) در استان ها و شهر های کشور * (۴) مهمترین عرصه های مسائل کارگری در سال ۸۱ * (۵) اشکال عمده حرکات اعتراضی در سال ۸۱ و نتایج نسبی آنها * (۶) موانع مبارزات اعتراضی سال ۸۱ * (۷) مهمترین مشخصه های جنبش کارگری ایران در سال ۸۱ و ادامه آن تا به امروز ***

امیر جواهری در بحث خود به هر یک از محور های ۷ گانه پرداخت و اعلام داشت؛ مهمترین مشخصه جنبش کارگری ایران در این است که ۱ ولا بگویم؛ سال ۸۱ همچون گذشته، جنبش کارگری در یک حالت تدافعی میجنگد. واقعیت اینست که کارگران طی سال عمدتاً بری افزایش دستمزدها تنها مبارزه نکردند زیرا بر پایه ارائه آمار و داده های خبری در تمام سال ۸۱ حتی برای بهبود شرایط کار نیز به نبرد با کارفرما بر نخاستند بلکه عمدتاً و عمدتاً برای حقوق معوقه خود از یکطرف و برای جلوگیری از اخراج ها و بیکار سازی ها و تعطیلی محیط های کار از سوی دیگر دست به اعتراض، تحصن و مبارزه زدند * بنابراین خصلت اساسی مبارزه کارگران در این معنی میگردد که آنها نه برای بهبود شرایط و موقعیت خودشان دارند با کارفرما، دولت، خانه کارگر، شوراهای اسلامی و انجمن های اسلامی دست و پنجه نرم می کنند بلکه در جهت حفظ آنچه که داشته اند میجنگند * دومین مشخصه درست در متن یک سلسله اعتراضات و بر انگیزتگی عمومی مبارزه فرا قانونی نسبت به مبارزه قانونی بیش از پیش دارد شکل میگیرد * در سال ۸۱ وزارت کشور با تجمیع معلمان مخالفت کرد ولی آنان به خیابان آمدند در سال ۸۱ مبارزه اعتصابی و راه پیمایی، راه بندان خیابانی، بستن جاده ها و لاستیک آتش زدن و راه بندان خروجی و خرطوم اتوبانها به شهردار جاده کرج، قزوین، انزلی به رشت گزارش گردیده است * همین وجه مبارزه خیابانی و فرا کارخانه را به پیش صحنه می آورد یعنی مبارزه ای که نسبت به مبارزه دوره های پیشین که عمدتاً در سطح واحد های تولیدی و صنایع حادث میشد در این دوره به خیابانها کشیده شد و این امری است که در این دوره ما بیش از پیش به آن تکیه داریم. بحث پایه ای ما اینست که؛ امروز جنبش کارگری چگونه و چه باید بکند که این حالت تدافعی اعتراضی درآید. در هم نشکسته و بیش از پیش تضعیف نشده و مهمتر اینکه بتواند به حالت تعرضی بر شتابتر و متناسب با جنبش عمومی مردم ایران وارد بیکار و ستیز گردد؟ از نگاه ما برای گذار از مرحله تدافعی به یک حالی تعرضی عیانتر، جنبش کارگری باید اساساً روی

سازمانیابی سراسری و اقدامات فراکارخانه ای و خیابانی تاحدزیادی متمرکز گردد. نمونه روشن این امر؛ جنبش اعتراضی ماههای اخیر کارگران بهشهر (مازندان) است. اگر ما حرفمان و دردمان اینسکه نیرو وارد میدان کنیم، چه کنیم، چه تاکتیکی را بخدمت گیریم که این بخش های پراکنده جنبش کارگری را بهم گره زنیم؟ تنها ایجاد حلقه های واسط و گره زدن و سفت کردن موقعیت آنان یکی از راه کارهای اساسی این مرحله از مبارزه است * بیشک خواهید پرسید؛ چرا این حد به بهشهر اشاره داریم ودر آنجا چه گذشت که این همه مورد توجه ماست؟ باید بگویم کارگران بهشهر بعد از سالها کار در آن محیط و وقوف نسبت به نیروی خویش، بعد از سالها انتظار و ۲۵ ماه عدم دریافت دستمزد و پاداش سال ۸۰ تصمیم میگیرند؛ ادر کارخانه اجتماع کنند * ۲۰ تجمع به پا دارند ۳۰ قرار های توافقی بگذارند ۴۰ نماینده واقعی و عملی خود را بر زمینند ۵۰ علامت سوت سه گانه کارخانه را مبنای اطلاع رسانی خود ذیرفتند به شکلی که (الف) با سوت اول همه دست از کار میکشند (ب) سوت دوم در صحن کارخانه جمع میشوند (ج) و با سوت سوم به سمت شهر روانه میگردند ۶۰ در طی مسیر زن و بچه خود را به یاری میبلند ۷۰ بسوی بازار روانه میگردند تا بازار را بسته و بازاریان را با خود همراه گردانند ۸۰ در مسیر مردم حرف میزنند، مشکلات خود را بر زبان می آورند ۹۰ شعار میدهند ۱۰ جوانترهای همراه آنان دیوار نویسی میکنند ۱۱۰ کارگران با تجربه در مسیر راه سخنرانی میکنند ۱۲۰ در هر دور نمایندگانی از میان خود بر میگزینند برای چانه زنی با فرماندار، شهردار، نماینده مجلس کسبیل دارند ۱۳۰ با ریش سفیدان شهرویدران شهدای جنگ که مورد وثوق مقامات شهرند وارد گفتگو میشوند خلاصه خود را بنامه جنبشی توده ای بنمایش میگذارند * بعد از یک دوره تقلا ۱۴۰ دیگر با به صحنه کارخانه بر میگردند و همین اشکال جا افتاده را چندین دور تکرار میکنند * همین حد از جسارت کارگران، رژیم را به عکس العمل وا میدارد که ورودی و خروجی شهر و چهار راهها و میادین بهشهر را با آوردن نیروی نظامی از سراسر گیلان، مازندران (رشت - ساری - گرگان - تهران و...) بیوشاند. شعار علیه امام جمعه و نماینده مجلس و ملیتارزه شدن شهر با توجه به سکوت مطبوعات، خبر رسانی افواهی اعتراضات این جنبش را در تمام گیلان و مازندران زیر پوشش خود قرارداده و همه شهر های اطراف را متوجه وخامت اوضاع نموده است * در این میان مقامات شهری با نشست ها و ارائه تصمیم موفق نشدند که کارگران را از تعرض خود وا دارند * کارگران از هفته دوم فروردین ماه ۸۲ با بکار گیری تاکتیک تعرضات فرا کارخانه ای و به خیابان آمدن خویش و همراه کردن جمعیت ۲۰ تا ۲۵ هزار نفره شهر با خود، کارفرما و مقامات نظام را به چالش طلیبیدند * بطوریکه دولت طی نشست ویژه ای مصوبه خاصی را در جهت پرداختن به کارگران بهشهر تصویب کرده است * با این همه پول مزبور پرداخت نشده است و کارگران با بی اعتمادی پیشین از قولهای مقامات کشوری هیچ پیشهاد و پیشرفتی را از مسئولین شهر و ریش سفیدان آن نمی پذیرند و با تهدید به اعتصاب غذا دیگر بار به درون کارخانه رفته اند * اخبار رسیده مؤید این است که کارگران با تصمیم به بستن کارخانه بروی مقامات دست به اعتصاب غذا زدند و طبق گزارش روزنامه کار و کارگر (تعدادی از کارگران اعتصاب غذا کردند) بطوریکه تا به امروز چندتن آنان با نوشتن وصیت نامه خود این کار را آغاز کرده اند * دیگر بار میگویم؛ قدم از این نمونه این است که فریاد بزیم بهشهر سد را شکست و اگر نیرو تعیین کننده است که هست باید چنین کرد * همین صورت مسئله نشان میدهد هر قدر که فشار کارفرما، دولت حامی سرمایه، ساختار اقتصادی سیستم در محل کارمنجر به عقب نشینی کارگران می شد، در عوض حرکات فرا کارخانه ای خشم مترکیم و ظرفیت بالاتری را در بین کارگران در خارج از محل کار جلوه گر می سازد که آنرا در همراهی و پیوند با دیگران و کشاندن هر چه وسیع تر تا ۲۵ هزار نفر بروز میکند و این در سال ۸۱ و آغاز ۸۲ بی سابقه بوده است که باید آنرا به فال نیک گرفت * و اما دو نکته مهم و پایانی؛ ۱ اولی وظیفه ما در قبال این حرکات اعلام پشتیبانی بین المللی و بر انگیزتگی مجامع و محافل بهشهر جهانی (اتحادیه ها - سندیکا ها - احزاب و سازمان های مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان) و دومی که در نوع خود مهم است * اگر این اعتصاب پا بگیرد و اعتصابات دیگری از راه برسد در مقابل بی اعتمادی عمیق توده مزد و حقوق بگیره دولت و بحران حاکم بر آن و مال اندوزی مافیای دزد و آقا زاده ها و پدرسوخته ها، مهمترین مهمترین وظیفه در برابر ما گشایش صندوق های مالی یاری رسانی به اعتصابات کارگران در داخل کشور است * ما فعالین اتحاد چپ کارگری همه شما فعالین حاضر در این اطاق و از طریق شما در درون جنبش مبارزاتی خارج از کشور را به این مهم جلب میکنیم * ما باز هم در باره آن خواهیم نوشت ****

گزارشگر بولتن سیاسی - خبری اتحاد چپ کارگری - لندن

نشست‌های درونی اتحاد چپ در پالتاک!

اطاق ایرانیان سوسیالیست در "پالتاک"

Iran (Socialist Forum)

جمعه ۲۳ مه - ۹ شب به وقت اروپای مرکزی

تشکیلات کارگری

سخنران: بهزاد کاظمی

شنبه ۲۴ مه - ۸ شب به وقت اروپای مرکزی

شب شعر با مریم هولته

یکشنبه ۲۵ مه - ۷ شب به وقت اروپای مرکزی

تاریخ احزاب سیاسی در ایران (بخش ۵)

سلسله جلسات: یونس پارسا بناب

شماره حساب پستی اتحاد چپ کارگری ایران در سوئد:

pg: 4289144-0

شماره فکس و آدرس پستی اتحاد چپ کارگری ایران:

Address: Box 22 33 40 314 Gtg Sweden

Fax: 0046 31139897 0044 8701257959

آدرس ما در اینترنت:

<http://www.etehadchap.com>

e-mail: web@etehadchap.com

آدرس پست الکترونیکی اتحاد چپ کارگری در آمریکا:

us.east@etehadchap.com

آدرس پست الکترونیکی کمیته زنان اتحاد چپ کارگری:

zanan@etehadchap.com

مسئول اجرایی بولتن: داریوش ارجمندی، سوئد

dariush@etehadchap.com

هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری در پاسخ به درخواست اعضای و فعالین این اتحاد، از هفته آینده، روز ثابتی را برای برپایی جلسه‌های اینترنتی درونی تعیین خواهد کرد. در هر یک از این جلسه‌ها حداقل یک نفر از اعضای هیئت هماهنگی، برای پاسخگویی به سئوالاتی رفقا و ثبت پیشنهادهای و نظراتی رفقا، حضور خواهد داشت. در صورتی که مایل هستید در این جلسه‌ها شرکت کنید، لطفاً برای دریافت ساعت و جزئیات جلسه، با آدرس زیر تماس بگیرید:

hamahangi@etehadchap.com

این جلسه‌ها، بر روی اعضای و نزدیکان اتحاد چپ کارگری باز است!

کنفرانس به مناسبت ۳۰ سال انتشار نشریه کریتیک

مساحی آینده سوسیالیسم

سخنرانان: پرفسور هیلال تیکتین، پرفسور میک ککس

یدالله خسروشاهی

نسترن نگاری اتحاد چپ کارگری

پیتر کندی، دانشگاه کالدونیان، بب آرنه

شنبه ۳۱ مه ساعت ۱۰ صبح تا ۴ بعدازظهر

محل: Room W119, Hamish Wood Bldg,

Glasgow Caledonian University

انتشار شماره آینده نشریه کریتیک مصادف با سی‌امین سال انتشار این نشریه می‌باشد.

در طول این سی سال، نشریه کریتیک کوشیده است با ارائه تحلیل‌هایی از موقعیت بورکراسی استالینیست در اتحاد جماهیر شوروی، وظیفه خود را در طرح بحث‌های آلترناتیو و رادیکال ایفا کند. این نشریه، با طرح تحلیل‌های مبتنی بر اقتصاد سیاسی، بر نقش کلیدی و منفی بورکراسی استالینیستی در کنترل و محدود کردن مبارزات کارگران در سطح بین‌المللی، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. بسیاری از فعالین چپ، از سنهای سیاسی گوناگون (از جمله برخی جریانهای مارکسیست لنینیست و ترسکیست)، امروز می‌پذیرند که مواضع نشریه «کریتیک» در نقد اتحاد جماهیر شوروی و پیش‌بینی سقوط آن، از معدود مواردی است که پیش‌بینی چپ رادیکال درست درآمده است و پایداری این نشریه در حفظ مواضع رادیکال در مقابله با حمله گسترده و بی‌امان آکادمیسین‌های رفرمیست و فعالین سازشکار «چپ»، از معدود مواردی است که چپ بریتانیا می‌تواند نسبت به مواضع گذشته خود مغرور باشد.

زنده باد سوسیالیسم!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی